

نقش کارائی سیستم قضائی در سهولت کسب و کار

ابوالفضل شاه آبادی^۱

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

دانشگاه بوعلی سینا، همدان

رقیه پوران^۲

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه الزهراء

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۷

چکیده

امروزه تلاش برای بهبود محیط کسب و کار، از جمله مهم ترین دغدغه های اقتصادهای در حال گذر جهت حصول سریع تر به توسعه اقتصادی و رقابت است. طبق نظریات نهاد گرایانه، ناکارائی در سیستم قضائی، موجب افزایش هزینه مبادلات شده و از این طریق در محیط کسب و کار اختلال ایجاد می کند. مطالعه رتبه سهولت کسب و کار ایران در میان کشورهای جهان طی ۲۰۱۳-۲۰۰۵ حاکی از وضعیت نامناسب کسب و کار اقتصادی ایران است. هم چنین، مطالعه شاخص های کارائی سیستم قضائی ایران و مقایسه آن با بهترین و بدترین کشورها، نشان می دهد که ضعف سیستم قضائی ایران در مدت زمان رسیدگی به دعاوی قضائی است و از آنجا که این عامل نقش مهمی در سهولت اجرای قراردادها و به تبع آن، سهولت کسب و کار اقتصادی دارد، اصلاح این مورد در سیستم قضائی به شدت احساس می شود.

واژه های کلیدی: سهولت کسب و کار، کارائی نظام قضائی، اجرای قراردادها

طبقه بندی JEL: K12, K42, M21

The Role of the Efficiency of the Judicial System in Ease of Doing Business

Abolfazl Shahabadi

Associate Professor, Department of Economics, Bu-Ali Sina University-Hamedan

Roghayeh Pouran

Ph.D Student in Economic, Alzahra University of Alzahra, Tehran, Iran

Received: 28 nov 2013

Accept: 30 apr 2014

Abstract

Nowadays, the effort for ease of doing business is the more important worry in transition economies in the way of reaching in economic development and high competitiveness. According to intuitionism theories, the inefficiency of judicial system causes to increase trade costs, and so, violates the business environment. By studying the rank of Iran's ease in doing business between other world countries in during 2005- 2013 can find the position of Iran is significantly unsuitable. Also, by studying the indexes of Iran's efficiency of the judicial system and comparing with the best and worst countries can show the defection of Iran's judicial system is the duration for proceeding the litigations. As a result, this factor is important role in ease of contracts enforcement and the ease of doing business. Accordingly, this case should be reformed in judicial system of Iran.

Keywords: the ease of doing business, the efficiency of the judicial system, contracts enforcing

JEL Classification: K12, K42, M21

۱-مقدمه

سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در اصل ۴۴ قانون اساسی، هفت هدف عمده را دنبال می‌کند؛ افزایش رشد اقتصادی، گسترش مالکیت فکری، ارتقاء کارایی، افزایش رقابت‌پذیری، کاهش بار مالی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح اشتغال و تشویق مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (Tari and Gholami Baghi, 2009). از سوی دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه قدرت رقابت‌پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل موثر بر قدرت رقابت‌پذیری می‌باشد. محیط کسب و کار روشن و سالم که منتج از سلامت اقتصاد و سیاست‌های

صحیح کلان اقتصادی کشورها بوده و منجر به نتایج مثبت اقتصادی از قبیل توسعه صادرات، رشد اقتصادی مستمر و باثبات و افزایش شاخص‌های رفاهی می‌شود، از مواردی است که باید در فهرست سیاست‌های اقتصادی دولت قرار بگیرد. در یک بیان ساده و صریح، می‌توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. آنچه تحت عنوان «فضای کسب و کار خاکستری» در ادبیات اقتصادی و مدیریتی کشور ایران مطرح می‌شود، می‌تواند بر عملکرد مدیران بنگاه‌های تولیدی، نیروی کار، سرمایه‌گذاران اقتصادی، روند تولید و فرآیندهای اقتصادی نظیر فروش، رقابت در عرصه‌های داخلی و جهانی و توسعه صنعتی و اقتصادی کشور تأثیر گذاشته و چهره اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را مخدوش سازد (Baseri, 2009).

تا پیش از دهه ۱۹۷۰، محور سیاست‌های توسعه اقتصادی تصمیم‌گیری میان اقتصاد بازار محور و اقتصاد دولت محور بوده است. پس از جنگ جهانی دوم، نظریات متعددی راجع به نقش بهینه دولت و دخالت آن در نظام اقتصادی وجود دارد که از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. موضوعی که در دهه‌های اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی در این زمینه بوده است، نقش نهادها (دولت و بازار) و در یک کلام «حکمرانی خوب» در فرآیند توسعه اقتصادی کشورهاست. منظور از حکمرانی خوب، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری براساس قانون پاسخ‌گویی و اثر بخشی است. طبق نظریات جدید توسعه، دولت و بازار هر دو نهادهای اجتماعی هستند که نقایص و کاستی‌های مختلفی دارند و توسعه یک کشور در چنین شرایطی در گرو رفع نقایص و معایب نهادهای بازار و دولت است. دولت (از ناحیه دستگاه قانونی و قضائی) و بازار (بخش خصوصی)، هر دو وظیفه ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار، جهت نیل به توسعه اقتصادی را دارند.

در اهمیت توجه به بهبود محیط کسب و کار، همین بس که محیط کسب و کار نامناسب منجر به ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی از جمله کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، بزرگ شدن بیش از اندازه برخی بنگاه‌ها و کوچک ماندن بنگاه‌های دیگر، عدم شکل‌گیری شبکه‌ها و گسترش بخش غیر رسمی و در یک کلام، اختلال در دستیابی به رشد باثبات و توسعه اقتصادی می‌شود.

قوانین و مقررات، گرچه یکی از ابزارهای مهم برقراری نظم مطلوب به شمار می‌روند، اما در صورت کاربرد نابه‌جا، می‌توانند به عاملی ضد توسعه و رونق تبدیل شوند. دست بردن پی‌درپی

مصنوعی و دستوری دولت‌ها از طریق وضع قوانین در روابط اقتصادی، نظم طبیعی و خود جوش بازار را به امید برقراری نظم مطلوب، به هم می‌ریزد. در صورت فقدان شرایط یک قانون گذاری خوب، به هیچ وجه تضمینی برای دستیابی به این وضع مطلوب وجود ندارد. به عبارت دیگر، نظام حقوقی کارآمدی لازم است تا در سایه آن به توسعه مطلوب اقتصادی دست یافت. گروه‌های ذینفع در حوزه کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی، مخاطبان و استفاده‌کنندگان اصلی قوانین و مقررات به شمار می‌روند. بدیهی است که ناکارائی نظام قضائی و قانونی، اثر مستقیم و جدی بر فعالیت اقتصادی و کسب و کار خواهد داشت.

با این هدف، مقاله‌ی حاضر به این ترتیب سازمان‌دهی شده است: قسمت دوم مقاله به پیشینه تحقیق می‌پردازد. در بخش سوم روش تحقیق ارائه شده و در بخش چهارم، وضعیت اجرای قراردادها و کسب و کار اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای جهان تجزیه و تحلیل شده است. به علاوه، تجربه کشورهای که در جهت اصلاح عملکرد سیستم قضایی موفق بوده و توانسته‌اند از این طریق رتبه کسب و کار خود را در جهان بهبود بخشند، مطرح شده و موانع و راه کارها به تصویر کشیده شده‌اند. جمع‌بندی مطالب، در قسمت چهارم انجام شده است.

پیشینه تحقیق

در ابتدای دهه ۱۹۸۰ نظریه پردازان و سیاست گذاران اقتصادی بر خصوصی سازی تأکید داشتند اما از اواخر دهه ۱۹۹۰ راهبرد بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه پردازان و سیاست گذاری اقتصادی بوده است. از نظر طرفداران راهبرد بهبود محیط کسب و کار، رقابت عنصر اساسی در عملکرد بهتر اقتصادی است و تغییر مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی می‌تواند سدی در برابر رقابت ایجاد کند. اغلب، بخش خصوصی خواهان رقابت نیست. منافع هر فرد در بخش خصوصی ایجاب می‌کند که از رقابت جلوگیری کند. صاحبان شرکت‌های واگذار شده تمایل دارند تعداد رقبا محدود بماند و دولت برای جلوگیری از رقابت بیشتر، تعرفه‌ها را افزایش داده و به دیگران اجازه ورود ندهد. راهبرد بهبود محیط کسب و کار تأکید بیشتری بر افزایش رقابت دارد و خطر تشدید انحصار در این سیاست بسیار کمتر از سیاست خصوصی سازی است. این تغییر چارچوب در سیاست گذاری محصول تحولات اقتصادی مانند تجربه کشور چین

و تا حدودی ویتنام، مجارستان و لهستان این ایده را مطرح ساخت که برای تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد غیردولتی به جای راهبرد خصوصی سازی می توان از راهبرد بهبود محیط کسب و کار بهره گرفت. به عبارت دیگر، بدون خصوصی سازی و صرفاً با رفع موانع بخش خصوصی می توان اقتصاد دولتی را به اقتصاد غیر دولتی تغییر داد. منظور از محیط کسب و کار، عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه های حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت ها و... است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه های اقتصادی است (Meydari and Ghodjani, 2009).

از طرف دیگر، مطابق اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امنیت قضایی، حالتی است که در آن حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی انسان، در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد. امنیت قضایی زمانی ایجاد می شود که اصول و رویه های دادرسی، به نحوی عادلانه، تضمین کننده حقوق مادی و معنوی افراد جامعه باشد. «حقوق قضائی» آن دسته از حقوقی است که فرد در برخورد با دستگاه قضائی و رسیدگی های قضائی، باید از آن برخوردار باشد. برخی از این حقوق عبارتند از: حق داشتن وکیل، حق آگاهی از موضوع اتهام، حق بر حضور فوری نزد قاضی یا محکمه صالح قضائی، حق شروع دادرسی در زمان مناسب و... اگر این حقوق براساس اصول، قواعد و رویه های دادرسی عادلانه (مانند اصل برائت، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین) به اجرا گذاشته شوند، امنیت قضائی را برای افراد جامعه به ارمغان خواهند آورد.

آنچه از مفهوم حاکمیت قانون در رابطه با قوه قضائیه و تأمین امنیت قضائی قابل درک است، این است که اولاً در جهت تأمین همه جانبه حقوق افراد ملت، هرکس باید بتواند بدون هیچ گونه تبعیضی براساس قانون به دادگاه صالح مراجعه نماید و هیچ کس در برابر قانون با سایرین تفاوتی ندارد. ثانیاً قوه قضائیه به طور اعم و قضات دادگستری به طور اخص، خود نیز باید تابع قانون باشند و تحت الشمول اصل حاکمیت قانون قرار بگیرند (Zareie, 2009).

گروهی از کارگزاران بدون توجه به منافع فردی خود، همواره از حاکمیت قانون دفاع می کنند. حضور این دسته از کارگزاران در جامعه می تواند انگیزه سایر کارگزارانی را که به دنبال منافع شخصی خود هستند، برای حمایت از استقرار حاکمیت قانون افزایش دهد (ضریب فزاینده اجتماعی). فرض کنید جامعه از دو گروه تشکیل شده است؛ درصد معینی از مردم تقوی مدنی

دارند و همواره از حاکمیت قانون دفاع می‌کنند، بقیه، فرصت‌طلبانی مانند کارگزاران مورد بحث هستند. وجود افراد با «تقوی مدنی» می‌تواند نقشی مهم در ایجاد وضعیت تعادلی «خوب» ایفاء نماید. به طور تاریخی، طراحان قانون اساسی امریکا نه تنها اهمیت تقوای مدنی را درک کرده بودند، بلکه آن را در رفتار خویش انعکاس داده بودند. این افراد، حتی زمانی که برای دولت کار نمی‌کردند، تلاش خارق‌العاده‌ای برای حفظ خوش‌نامی و شهرت خویش به عمل می‌آوردند. وضعیت معکوس، وضعیت فقدان تقوی مدنی است، همان‌گونه که در روسیه اتفاق افتاده است. هنگامی که مدیران فاسد و افراد خلاف‌کار، کنترل دارائی‌ها را از طریق خصوصی‌سازی رسمی، در دست می‌گیرند، نقش مهمی در ایجاد وضعیت تعادلی «بد» ایفاء می‌کنند. تقاضا برای حاکمیت قانون یا هواداری از فقدان حاکمیت قانون را نمی‌توان از سیاست‌های کلان اقتصادی و نیز ماهیت فرآیند خصوصی‌سازی مجزا ساخت.

نااطمینانی در مورد فضای حقوقی موجب می‌شود که افراد راهبردهای اقتصادی خاصی را برگزینند و براساس این راهبردها، از استقرار حاکمیت قانون حمایت نکنند. ممکن است تصور شود که این استدلال را نمی‌توان به ساختار پویا تبدیل کرد. اما کارگزارانی که به غارت دارائی‌هایی مشغول هستند (تا منافع آتی خود را تأمین کنند)، اگر به آینده نظر داشته باشند، ممکن است در عین حال از استقرار حاکمیت قانون نیز حمایت کنند (تا منافع آتی خود را تضمین کنند). حامیان فقدان حاکمیت قانون و کارگزارانی که به غارت دارائی مشغولند، لزوماً یک گروه نیستند. تصمیمات جاری، کارگزار را به موقعیت‌های آتی او پیوند می‌دهد؛ اول، تصمیم کنونی برای غارت دارائی، موقعیت آتی او را در نظام حقوقی به خطر می‌اندازد. دوم، چنین تصمیمی بازده نسبی او را از برقراری حاکمیت قانون (در مقایسه با وضعیت فقدان حاکمیت قانون) کاهش می‌دهد، زیرا استقرار حاکمیت قانون در پایان یک دوره معین، توانایی او را برای غارت دارائی‌ها محدود می‌کند. با توجه به وجود پیوند بین حال و آینده، نتایج کیفی الگوی ایستا به چارچوبی پویا منتقل می‌شود (Karimi, 2005).

به طور کلی، نقش نهادها و قانون در فعالیت‌های اقتصادی، در چارچوب مکتب نهادگرائی مطرح شد و طرح جدیدی از رابطه حقوق و اقتصاد شکل گرفت. اولین جرقه‌های این ارتباط، با مطالعات کوز در سال ۱۹۳۷ زده شد.

بعدها، ویلیامسون (۱۹۷۶) (Williamson 1976) با بسط آراء کوز و ترکیب نظریات اقتصاد،

حقوق و سازمان، اقتصاد «هزینه مبادله» را بنا نمود و هدفش ایجاد یک بنیان نظری منسجم برای استفاده از مفهوم هزینه مبادله و تبیین دلایل استفاده از سازوکارهای نهادی جایگزین بود. در اقتصاد هزینه مبادله، به لحاظ روش شناختی، فرض می‌شود که کارگزاران عقلایی عمل می‌کنند. البته عقلانیت آنها محدود است و به تمام اطلاعات لازم برای انعقاد قرارداد و تعهد مبادلات دسترسی ندارند و نیز اگر چنین امکانی باشد، قدرت پردازش آن را ندارند و ناگزیر، قراردادهای ناقص منعقد می‌کنند. در نتیجه، به‌طور بالقوه این امکان وجود دارد که نقص‌های موجود در قرارداد، مورد سوء استفاده افراد فرصت طلب قرار گیرد و قرارداد نقض شود و به این ترتیب، هزینه‌هایی به مبادله‌کنندگان تحمیل شود (هزینه مبادله). در این رویکرد فرض می‌شود که افراد عاقل از امکان نقض قراردادها (هزینه بر بودن مبادلات) مطلع هستند، از این رو سعی می‌کنند پیش از انعقاد قرارداد، راهکارهایی برای رسیدن به اهداف خود بیندیشند که پس از انعقاد قرارداد، متحمل هزینه کمتری شوند. این مطلب که عصاره اقتصاد هزینه مبادله است، در قالب فرضیه «ترازسازی تبعیض آمیز» نظام‌مند شده است. این فرضیه، در واقع به این رویکرد اجازه داده است، مفهوم هزینه مبادله را عملیاتی و توانایی پیش‌بینی کسب کند. براساس فرضیه «ترازسازی تبعیض آمیز»، کارگزاران میان مبادلات و سازوکارهای سازمان‌دهی، توازن برقرار می‌کنند و برای این توازن، به‌طور همزمان با لحاظ ویژگی‌های مبادلات، هر مبادله را از طریق سازوکاری سازمان‌دهی می‌کنند که مطلوب، با کمترین هزینه حاصل شود. در شرایط حاضر، کم‌هزینه‌ترین شیوه تعهد آن است که در بازار و بنگاه مشاهده می‌شود (Nasiri Aghdam, 2010).

در تبیین ویلیامسون (۲۰۰۲) (Williamson 2002) از سطوح مختلف یک تحلیل اقتصادی، چهار سطح مختلف (بنیان اجتماعی، محیط نهادی، نظارت یا ترتیبات نهادی و اقتصاد نئوکلاسیکی) تشریح می‌شوند. در سطح سوم یا سطح ترتیبات نهادی و نظارت، سازوکار نظارتی ناظر بر تصمیم‌گیری‌های بودجه‌ای در داخل حکومت (دولت)، تحلیل می‌شود (Tayyeb Nia and mardokhi, 2006).

آنچه در این مطالعه مورد نظر است، نظارت و ترتیبات نهادی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی و به‌طور خاص، نقش سیستم قضائی و عملکرد آن بر سهولت کسب و کار است. در ادبیات اقتصادی و حقوقی کسب و کار، امنیت قضائی و کارایی سیستم قضا با وضعیت اجرای قراردادها سنجیده می‌شود. محیط کسب و کار، در یک تعریف کلی، به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود

که بر عملکرد بنگاه تأثیر می‌گذارد، اما مدیر نمی‌تواند آن را به سهولت تغییر دهد. از جمله این عوامل عبارت است از نوسانات قطع برق، میزان رشوه و فساد اداری، مشکلات قضایی، بروکراسی و امثال آن. فرض اساسی انجام کسب و کار این است که فعالیت اقتصادی به قوانین مناسب نیاز دارد. قوانینی در مورد ثبت و تصریح حقوق مالکیت و کاهش هزینه‌های حل و فصل اختلافات، افزایش پیش‌بینی‌پذیری مبادلات اقتصادی و فراهم کردن شرکای قانونی با اتکاء حافظت در برابر سوء استفاده ضروری است.

ادبیات اقتصادی اجرای قراردادهای، دو ادبیات سنتی افراطی با توجه به نقش دستگاه قضا در ضمانت اجرای قراردادها نشان می‌دهد. اول، نظریه سنتی «تمرکزگرایی قانون»؛ فرض می‌کند که موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای می‌توانند بهترین باشند و اجرای آنها توسط سیستم قضائی، تقریباً با کمترین هزینه، تضمین می‌شود. به عنوان مثال، ویلیامسون (۱۹۸۱) (Williamson 1981) به پیروی از نظریه گالانتز (۱۹۸۱) (Galanter 1981) این دیدگاه را چنین تبیین نموده است که «بیشتر مطالعات مبادله فرض می‌کنند که نقش مؤثر مشاجرات در قراردادهای به‌جا هستند و در سطح بالا، توسط دستگاه‌های قضائی برای ضمانت اجرا به کار می‌روند و روشی کم‌هزینه هستند. نظریه سنتی تمرکزگرایی قانونی، معتقد است که حل و فصل دعوی برای کل اجتماع، به محکمه خارجی نیاز دارد و باید به کمک اطلاعات یک فرد مقتدر، چاره‌ای اندیشیده شود و عفو توسط متخصصان تحت حمایت دولتی (ایالتی) انجام پذیرد».

دوم، نظریه «پذیرش حاکمیت شخصی»؛ به‌طور ضمنی و صریح فرض می‌کند که قراردادهای میان طرفین، از طریق دستگاه قضائی لازم‌الاجرا نیست (Telser (۱۹۸۰)، Klein and (۱۹۸۱) و Leffler و Bull (۱۹۸۷). تلسر معتقد است «پذیرش حاکمیت شخصی میان طرفین اقتدار ایجاد می‌کند و تا زمانی که هر یک از آنها معتقد باشند که خوششان در موقعیت بهتری قرار دارند، قرارداد ادامه پیدا می‌کند تا یکی از آنها به آن خاتمه دهد. اگر یکی از طرفین، شرایط را نقض کند، آنگاه پس از اینکه تخلف وی مشخص شد، تنها با مراجعه به طرف دیگر، قرارداد فسخ می‌شود. بنابراین طرف ثالثی برای بررسی اینکه نقض شرایط به‌جاست و یا برای تعیین میزان ضرر از ناحیه فرد متخلف، مداخله نمی‌کند».

برای روشن‌تر شدن مفاهیم این روش‌های ناسازگار، مثالی را در نظر بگیرید. فروشنده الف و خریدار ب، توافق می‌کنند که فروشنده الف کالای خاصی را به خریدار ب تحویل بدهد و ۱۴

روز بعد، مبلغ آن را دریافت کند. خریدار کالا را دریافت کرده، ولی در سررسید، مبلغ آن را نمی‌پردازد. تحت نظریه پذیرش حاکمیت شخصی، فروشنده آن را پس گرفته و ضرر مالی آن را می‌پذیرد، ولی هرگز معامله دیگری را با آن خریدار انجام نمی‌دهد. طبق نظریه تمرکزگرایی قانون، فروشنده فوراً به قانون متوسل شده و طبق قانون، خریدار باید مبلغ کالایی که خریداری کرده است، بپردازد. با این فرض که ضمانت اجرای قراردادها از طرف دولت کم‌ترین هزینه را دارد، پذیرش ضررهای مالی غیر منطقی است.

گرچه این فرضیات افراطی، قابلیت اجرای قراردادها با کمترین هزینه یا بدون هیچ هزینه، از نظر تئوری با ارزش هستند، اما با تحلیل‌های تجربی سازگار نمی‌باشند. در واقع، شواهد تجربی نشان می‌دهند که اجرایی قانونی قراردادها اغلب ممکن، اما پر هزینه است. بنابراین، منطقی است که در مورد ضمانت اجرایی قضائی تحلیل هزینه - فایده صورت گیرد. هزینه‌ها و فایده‌های ضمانت اجرایی قضایی کدامند و چگونه تعیین می‌شوند؟ اخیراً مشخص شده است که جبران ضرر، از نقض قرارداد ناشی می‌شود و به ارزش قرارداد و توانایی دستگاه قضایی برای تعیین میزان مناسبی از خسارات ناشی از نقض قرارداد، بستگی دارد.

هزینه‌های اجرای قراردادها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم. هزینه‌های مستقیم اجرای قراردادها عبارت است از زمان، تلاش یا پولی که برای پذیرش قانون باید پرداخت شود. این موارد نیز از کارائی سیستم قضایی، نوع موافقت‌نامه و قرارداد و ویژگی‌های بنگاه یا افراد تأثیر می‌پذیرد. هزینه‌های غیر مستقیم اجرای قراردادها توسط دستگاه قضایی، از دو طریق ممکن است ایجاد شود؛ ۱- اختلال ناشی از قرابت پرهزینه (پرداخت هزینه غیر معمول به مراجع قضایی)، ۲- خسارت ناشی از اعتبار در کسب و کار و سیستم اجتماعی (Volker and Boger: ۴۱۸: (۲۰۰۳)). از دیدگاه اقتصاد هزینه مبادله، نامناسب بودن هزینه‌های اجرای قراردادها، منجر به افزایش هزینه مبادلات اقتصادی و تخصیص ناکارای منابع خواهد شد.

اجرای مؤثر قراردادها از مدت‌ها قبل عامل ضروری در کارکرد بازار شناخته شده بود. با این حال، اخیراً اقتصاددانان اقدام به انجام مطالعات تجربی مختلفی، در زمینه مکانیسم اجرای قراردادها نموده‌اند. مطالعاتی در مورد تحلیل عملکرد قراردادها در تاریخ اقتصاد اروپا (مانند مطالعات میلگرام و همکاران (۱۹۹۰) و گریف (۱۹۹۳)) (Milgrom et al (1990) and Greif (1993))، کشورهای در حال توسعه (مانند مطالعات فافکمپس (۱۹۹۶) و وودرف (۱۹۹۸))

((Fafchamps (1996) and Woodruff (1998)) و به طور قابل توجهی در کشورهای درحال گذر (نظیر مطالعات گریف و کاندل (۱۹۹۵)، کافورد و میلر (۱۹۹۵ و ۱۹۹۹)، هندرلی و همکاران (۱۹۹۸)، مک‌میلان و وودرف (a۱۹۹۹ و b۱۹۹۹)، جانسون و همکاران (۱۹۹۹)، گاو و سوئینن (۱۹۹۸ و ۲۰۰۱) و گاو و همکاران (۲۰۰۰)) (Gow et al (2000), Gow and Swinnen (1998, 2001), Johnson et al (1999), McMillan and Woodruff (1999a and 1999b), Henderly et al (1998), Koford and Miller (1995 and 1999), Greif and Kandel (1995)) انجام شده است. در این مطالعات، قوانین و دستگاه قضائی ناکارآمد موجب شده است که کارگزاران اقتصادی به قراردادهای "خارج از سایه قانون" اعتقاد داشته باشند (مک‌میلان و وودرف، ۱۹۹۹: ۶۳۷) (McMillan and Woodruff (1999a: 637)). به علاوه، به عقیده جانسون، مک‌میلان و وودرف گذار از "آزمون ارتباط متقابل میان دستگاه قضائی و اجرای قراردادها" دیده می‌شود.

والکر و بوگر (۲۰۰۳) (۲۰۰۳: ۴۱۸) (Volker and Boger) در مطالعه‌ای به بررسی نقش دستگاه قضایی بر اجرای قراردادها در بخش حمل و نقل کشاورزی لهستان، با استفاده از اطلاعات ۳۰۶ کشاورز لهستانی طرف قرارداد پرورش خوک، در سال ۱۹۹۰ پرداختند. تنها ۳۸/۵ درصد آنها معتقد بودند که استفاده از دادگاه می‌تواند موجب تضمین قراردادهایشان شود و همین عده معتقد بودند که سیستم قانونی می‌تواند ضررهای مالی آنها را بپذیرد. والکر و بوگر در این مطالعه، با تفکیک قراردادهای قابل اجرا و غیر قابل اجرا، اثر فعالیت‌های قانونی را بر اجرای قراردادها بررسی نمودند. نتایج تجربی مدل نشان داد که ۱- پاسخ کشاورزان می‌تواند به وسیله نوسانات هزینه فایده استفاده از دادگاه‌ها، تشریح شود. ۲- غیر قابل اجرا بودن قراردادها، نه فقط به کارائی دستگاه قضائی، بلکه به خصوصیات مبادلات، قراردادها و ارتباط میان خریدار و فروشنده بستگی دارد. ۳- شدت انجام قانون به طور معنی‌داری تحت تأثیر هزینه‌های اجرائی دادگاه‌ها، نظیر قطع ارتباط بر هزینه و دسترسی به مکانیسم‌های اجرائی جایگزین، قرار دارد. در داخل کشور، مطالعات متعددی حاکی از نقش قانون و مقررات بر فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار، انجام شده است.

نصیری‌اقدم و نادران (۱۳۸۵) (Nasiri aghdam and Naderan (2006)) در مطالعه‌ای تجربی با نام «هزینه مبادله تأمین مالی بنگاه‌های تولید- ساخت (مطالعه موردی ۴۰ بنگاه کوچک)» به

ارزیابی نقش اقتصاد هزینه مبادله در تبیین علت مشکلات تأمین مالی ۴۰ بنگاه کوچک صنایع کارخانه‌ای ایران در استفاده از کم‌هزینه‌ترین روش‌های تأمین مالی جهان، پرداخته‌اند. مطالعه آنها، اولاً نشان داد که ابزارهای مالی مناسبی که در کشورها دیگر، مورد استفاده بنگاه‌های کوچک است، در بنگاه‌های کوچک ایران مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. ثانیاً علت چنین حالتی در ایران، عدم وجود بازارهای مالی کارآمد است که موجب ایجاد هزینه‌های مبادله هنگفت شده است.

نصیری اقدم (۱۳۸۹) (Nasiri aghdam (2006) در مطالعه‌ای تجربی با عنوان «نقش نظام قضایی در بهبود محیط کسب و کار» بیان می‌دارد، صاحبان کسب و کار برای شروع و ادامه فعالیت خود باید قراردادهای متنوعی را منعقد کنند. این قراردادها مبنای انجام مبادلات اقتصادی و در واقع منتفع شدن از فعالیت اقتصادی است. هر چه هزینه انعقاد و ضمانت اجرای قراردادها کمتر باشد، انگیزه بخش خصوصی برای ورود به عرصه کسب و کار بیشتر است و بالعکس. اما ضمانت اجرای قراردادها در گرو کارایی نظام قضایی کشور است و از این رو، نظام قضایی نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و گسترش بخش خصوصی دارد.

تاری و غلامی‌باغی (۱۳۸۷) (Tari and Gholami Baghi (2009) در مطالعه‌ای با نام «اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی موثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش غیر رسمی»، بهبود وضعیت کسب و کار را بر توسعه بخش رسمی و کاهش حجم اقتصادی پنهان، مؤثر دانستند. به عقیده آنها افزایش ظرفیت اقتصاد پنهان به عنوان مانع مهم توسعه اقتصادی، تلقی شده و ضرورت دارد که با اصلاح روابط حاکم بر کسب و کار ایران، به رفع موانع توسعه پرداخت. هم‌چنین، تاری و غلامی‌باغی (۱۳۸۶) (Tari and Gholami Baghi (2007) در مطالعه دیگری با نام «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و فضای کسب و کار با تمرکز بر تجارت»، به طور خاص، به نقش یکی از پارامترهای مهم مؤثر در بهبود فضای کسب و کار (تجارت خارجی)، جهت تسریع در نیل به اهداف مشخص در اصل ۴۴ قانون اساسی، پرداختند. در این مطالعه با استفاده از روش گردآوری اطلاعات، تأکید شده است که برای دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تمرکز بر واگذاری فعالیت‌ها مناسب نبوده و کلید تحقق این اهداف، توانمندسازی بخش غیر دولتی و توسعه فضای کسب و کار با استفاده از تعاملات گسترده، آسان و فزاینده در فضای اقتصادی است.

طیب‌نیا و مردوخی (۱۳۸۵) (Tayyeb Nia and Mardokhi, 2006) نیز در مطالعه‌ای با نام «اثر حقوق مالکیت بر بهره‌برداری از منابع طبیعی: رویکرد نهادگرا در مورد منابع نفت خام ایران» به ارزیابی تأثیر حقوق و مالکیت بر سطح دیگری از تحلیل اقتصادی (محیط نهادی) پرداختند. آنها با استفاده از تبیین دیدگاه‌های اقتصاد نهادگرایانه جدید، این فرضیه را که حاکمیت عمومی بر منابع نفتی، موجب بهره‌برداری بیش از اندازه این منابع و صدور آنها در قیمت‌هایی پائین‌تر از ارزش واقعی آنها می‌شود، مورد بررسی قرار داده و آن را پذیرفتند. تحلیل رفتار اجزای تشکیل دهنده ساختار حکومت ایران در این مطالعه نشان داد که نوعی سازش میان کارگزاران اجرایی و مقامات سیاسی در بازار داخلی حکومت، دولت را به یک حداکثرکننده درآمدهای نفتی، از طریق تولید و صدور هرچه بیشتر نفت خام تبدیل کرده است.

مطالعاتی نیز اخیراً توسط شاه‌آبادی و همکارانش در حوزه فضای کسب و کار صورت گرفته است. به عقیده شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) (Shahabadi et al (2013) بهبود محیط کسب و کار در کشورها منجر به بهبود شرایط برای فعالیت مؤثر و مفید تمام فعالان اقتصادی گردیده تا تمامی بخش‌ها بتوانند از موقعیت بالقوه خود استفاده کنند؛ این امر باعث افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، فرصت‌های شغلی و بهره‌وری عوامل تولید و بهبود بسیاری دیگر از مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. محیط کسب و کار، از عوامل مهمی تأثیر می‌پذیرد که بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آنها، اقتصاد سیاسی می‌باشد. آنها در مطالعه خود به بررسی تطبیقی تأثیر اقتصاد سیاسی بر محیط کسب و کار در راستای تأمین مالی کشورهای عضو گروه D8 و G7 طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۱۲ پرداختند. نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که وضعیت کشورهای در حال توسعه D8 در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته G7 در شاخص‌های محیط کسب و کار و اقتصاد سیاسی نامطلوب می‌باشد. هم‌چنین کشورهایی که در بهبود شاخص‌های اقتصاد سیاسی موفق‌تر عمل کرده‌اند، دارای محیط کسب و کار بهتری هستند. به‌علاوه یکی از شیوه‌های مهم تأمین مالی در بین کشورها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد و با توجه به محدود بودن سرمایه تنها کشورهایی موفق هستند این سرمایه‌ها را به کشور خود انتقال دهند که بتوانند زمینه‌ها و شرایط مساعد پذیرش این گونه سرمایه‌ها را فراهم آورند که وضعیت اکثر کشورهای مورد مطالعه از جمله کشور ایران به دلیل نامساعد بودن محیط کسب و کار در جذب Foreign Direct Investment (FDI) مناسب نمی‌باشد. در مطالعه دیگری، شاه‌آبادی و صادقی

Shahabadi and Sadeghi (2012) (۱۳۹۱) به بررسی رابطه میان حکمرانی و فضای کسب و کار بر جاذبه‌ها و دافع‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد در اقتصاد ایران می‌توان با رفع برخی موانع نهادی و زیرساختی و اصلاح ساختار کلان اقتصادی، اقدام به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمود که این امر مستلزم مدیریت صحیح و هدفمند منابع موجود و بالقوه است.

روش تحقیق

مطابق روش بانک جهانی در اندازه‌گیری محیط کسب و کار (براساس زمان لازم برای فعالیت‌های مرتبط با کسب و کار)، عوامل مختلفی در تعیین عملکرد فضای کسب و کار نقش دارند که همگی با قوای سه‌گانه (قوه مقننه، مجریه و قضاییه) مرتبط هستند. انجام کسب و کار، بر ۱۰ موضوع با هدف خاص اندازه‌گیری مقررات و تشریفات زائد مناسب برای چرخه زندگی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تمرکز دارد. به عبارت دیگر، مبنای اندازه‌گیری و مقایسه محیط کسب و کار هر کشور با دیگر کشورها، سهولت اجرای ده فعالیت زیر است.

- ۱- ثبت شرکت (سهولت شروع کسب و کار)
 - ۲- مدت زمان لازم برای اخذ مجوز تأسیس شرکت
 - ۳- سهولت تعامل کارفرما با کارکنان (استخدام و اخراج کارکنان)
 - ۴- کارایی ثبت املاک
 - ۵- پرداخت مالیات
 - ۶- تجارت با خارج
 - ۷- حمایت از حقوق سهام‌داران کوچک
 - ۸- زمان لازم برای اخذ اعتبارات (سهولت دریافت اعتبارات)
 - ۹- اجرای قراردادهای (مدت زمان لازم برای صدور حکم در دادگاه‌ها)
 - ۱۰- اعلام ورشکستگی و خاتمه‌بخشیدن به کسب و کار
- سهولت کسب و کار با استفاده از کارایی نظام قضایی (شاخص اجرای قراردادهای)، به کمک سه عامل تعیین می‌شود؛ مراحل اجرای قراردادهای (تعداد)، زمان اجرای قراردادهای (برحسب روز) و

هزینه اجرای قراردادها (برحسب درصدی از بدهی طرف دعوی). در این مطالعه در نظر داریم از میان شاخص‌های فوق، به شیوه‌ای تحلیلی - توصیفی به ارتباط میان شاخص‌های اقتصادی سنجش کارایی نظام قضایی و رتبه جمهوری اسلامی ایران از لحاظ سهولت کسب و کار در بین کشورهای جهان پردازیم. با توجه به اینکه آمارهای کمی در این حوزه وجود ندارد، در بخش بعدی به ارائه تجربه کشورهای موفق در بهبود شاخص‌های سنجش کارایی قضایی می‌پردازیم.

تجزیه و تحلیل

رتبه هر کشور در سهولت کسب و کار براساس زمان، هزینه و مراحل انجام‌دادن هر یک از فعالیت‌های ده‌گانه فوق مشخص می‌شود. هر قدر سرعت انجام‌دادن یک فعالیت بیشتر و تعداد مراحل اداری و هزینه‌های آن کمتر باشد، محیط کسب و کار آن کشور، مناسب‌تر و رتبه آن در مقایسه با دیگر کشورها، بهتر است.

شاخص‌های اقتصادی سنجش کارائی نظام قضائی در رابطه با سهولت کسب و کار برای کشور ایران طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۶، در جدول (۲) آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در طول دوره مورد بررسی، رتبه ایران از ۱۰۸ به ۱۴۵ تنزل یافته و این در حالی است که مراحل رسیدگی به دعاوی قراردادها از ۲۳ به ۳۹ و هزینه رسیدگی به دعاوی از ۱۲ به ۱۷ درصد بدهی افزایش یافته است. البته زمان رسیدگی به دعاوی از ۵۴۵ به ۵۰۵ کاهش یافته است. اما همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه خواهد شد، در مقایسه با وضعیت این شاخص‌ها در بهترین کشورهای دنیا، این رقم بسیار بالاست.

در مورد ارتباط و همبستگی هر یک از این شاخص‌ها با رتبه کل ایران از لحاظ فضای کسب و کار در جهان می‌توان به نمودارهای پراکنش این متغیرها مراجعه نمود.

همان‌گونه که در نمودارها دیده می‌شود، ارتباط معنی‌داری میان رتبه کل سهولت کسب و کار ایران در میان کشورهای جهان و هر یک از شاخص‌های سنجش عملکرد کارایی قضایی وجود دارد. به طوری که به موازات گران‌تر شدن هزینه رسیدگی به دعاوی قراردادها و طولانی‌تر شدن زمان رسیدگی به این دعاوی، رتبه ایران نیز به رده‌های پایین‌تر جهانی تنزل یافته است.

جدول (۱): رتبه ایران در رده‌بندی بانک جهانی از لحاظ شاخص‌های سهولت کسب و کار در جهان (سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۳)

۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	
۸۷	۵۳	۴۲	۴۸	۹۶	۷۷	۶۴	۶۲	ثبت شرکت (سهولت شروع کسب و کار)
۱۶۶	۱۶۴	۱۴۳	۱۴۱	۱۶۵	۱۶۴	۱۶۷	۱۶۸	اخذ مجوز
-	-	-	۱۳۷	۱۴۷	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۳	سهولت تعامل کارفرما با کارکنان (استخدام و اخراج کارکنان)
۱۶۵	۱۶۳	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۷	۱۴۳	۱۴۳	۱۳۶	کارایی ثبت املاک (مراحل و زمان ثبت املاک)
۸۳	۹۸	۸۹	۱۱۳	۸۴	۶۸	۶۵	۵۹	سهولت دریافت اعتبارات
۱۵۰	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۵	۱۶۴	۱۵۸	۱۵۶	۱۵۹	حمایت از سرمایه‌گذاران
۱۲۹	۱۲۶	۱۱۵	۱۱۷	۱۰۴	۹۸	۹۶	۹۱	مراحل و زمان لازم برای پرداخت مالیات
۱۴۳	۱۳۸	۱۳۱	۱۳۴	۱۴۲	۱۳۵	۸۷	۷۴	تجارت با خارج (کارایی سیستم گمرک در تکمیل اسناد تجاری)
۵۳	۵۰	۴۹	۵۳	۵۶	۵۷	۳۳	۳۴	اجرای قراردادها
۱۲۶	۱۱۸	۱۱۱	۱۰۹	۱۰۷	۱۱۸	۱۰۹	۱۰۳	خاتمه بخشیدن به کسب و کار
۱۴۵	۱۴۴	۱۲۹	۱۳۷	۱۴۲	۱۳۵	۱۱۹	۱۰۸	رتبه کل

منبع: Doing business reports in 2006-2013

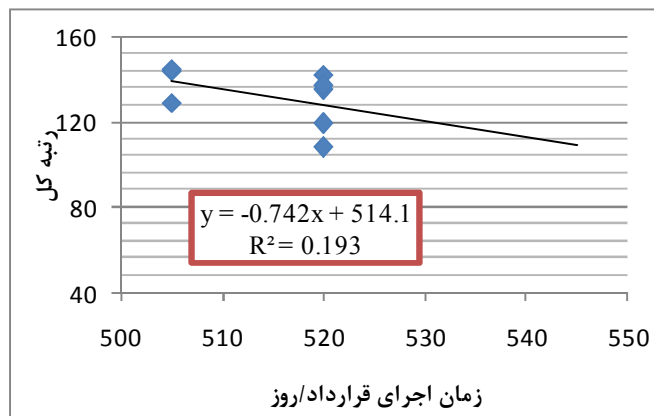
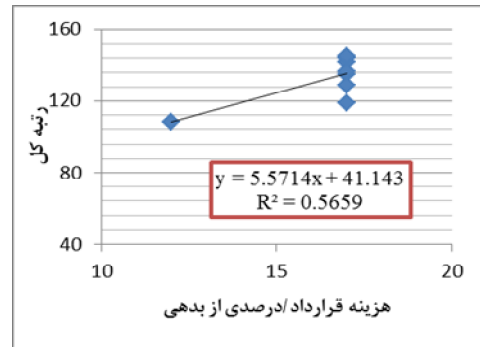
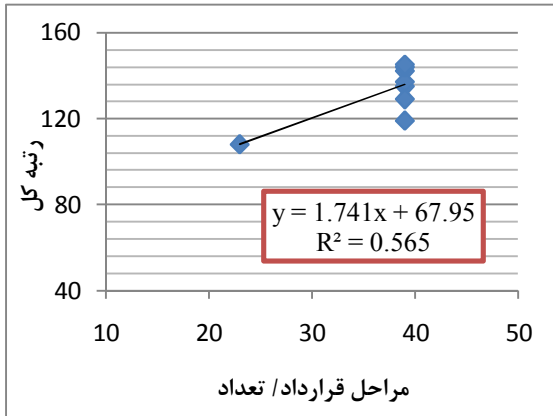
جدول (۲): وضعیت پارامترهای تعیین‌کننده در کارایی نظام قضائی در ایران

۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۲۳	۲۳	مراحل (تعداد)
۵۰۵	۵۰۵	۵۰۵	۵۲۰	۵۲۰	۵۲۰	۵۲۰	۵۲۰	۵۴۵	زمان (روز)
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۲	۱۲	هزینه (درصدی از بدهی)

منبع: Doing business reports in 2006-2013

به استثنای سال ۲۰۰۵ که نیوزیلند رتبه اول را در سهولت کسب و کار جهان داشت، در سایر سال‌ها، سنگاپور مقام اول را در جهان دارا بوده است. هم‌چنین، جمهوری دموکراتیک کنگو، همواره آخرین رتبه را در رده‌بندی بانک جهانی داشته است. وضعیت کارایی نظام قضائی و ب‌عبارت‌دیگر، پارامترهای تعیین‌کننده اجرای قراردادها در این کشورها، طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۵ در جدول (۳) آمده است. مقایسه پارامترهای تعیین‌کننده اجرای قراردادها در کشور ایران و

سنگاپور نشان می‌دهد، اگر چه هزینه اجرای قراردادها در کشور ما به مراتب کمتر از سنگاپور است، اما مراحل و زمان اجرای قراردادها در کشور سنگاپور به مقدار قابل توجهی از کشور ما کمتر است.



نمودار(۱): پراکنش رتبه سهولت محیط کسب و کار و شاخص‌های بررسی عملکرد سیستم قضایی

مآخذ: محاسبات تحقیق

جدول (۳): وضعیت شاخص کارائی نظام قضائی در آسان‌ترین و سخت‌ترین کشور جهان

سنگاپور (آسان‌ترین...)									
۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	اجرای قراردادها
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۲	۲۹	۲۳	مراحل (تعداد)
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۲۰	۱۲۰	۶۹	زمان (روز)
۲۵/۸	۲۵/۸	۲۵/۸	۲۵/۸	۲۵/۸	۲۵/۸	۱۷/۸	۱۴/۶	۹	هزینه (درصدی از بدهی)
۱۲	۱۲	۱۳	۱۳	۱۳	۱۴	۴	۲۳	-	رتبه
جمهوری دموکراتیک کنگو (سخت‌ترین...)									
۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	اجرای قراردادها
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۵۱	۵۱	مراحل (تعداد)
۶۱۰	۶۱۰	۶۲۵	۶۲۵	۶۲۵	۶۴۵	۶۸۵	۶۸۵	۹۰۹	زمان (روز)
۱۴۷/۶	۱۵۱/۸	۱۵۱/۸	۱۵۱/۸	۱۵۱/۸	۱۵۱/۸	۱۵۱/۸	۱۵۶/۸	۲۵۶/۸	هزینه (درصدی از بدهی)
۱۷۳	۱۷۰	۱۷۲	۱۷۲	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۳	۱۷۱	-	رتبه

منبع: Doing business reports in 2006-2013

هم‌چنین مقایسه رتبه ایران از لحاظ شاخص‌های کارائی نظام قضائی در سال ۲۰۱۳ با ۱۰ کشور بهتر و بدتر از لحاظ اجرای قراردادها (طبق جدول ۴) نشان می‌دهد، اگر چه از لحاظ هزینه و مراحل اجرای قراردادها نزدیک به کشورهای بهتر، از لحاظ کارائی نظام قضائی هستیم، اما مدت زمان اجرای قراردادها در ایران به طور قابل توجهی بالاست. زمان اجرای قراردادها در ایران چیزی در حدود دو سال است، در حالی که در بهترین کشورها از لحاظ کارائی قضایی، حداقل ۵ ماه (سنگاپور) و حداکثر ۱ سال (نامیبیا) است.

براساس مطالعه بانک جهانی (۲۰۰۶) (World Bank (2006) در مورد بزرگترین موانع اجرای قراردادها در کشورهای مختلف، موارد متعددی مطرح شد که این موانع به ترتیب شدت تأثیر عبارتند از؛ ۱- تأخیر در قوه قضائیه ۲- طولانی بودن مراحل تجدید نظر ۳- عدم صلاحیت مقامات قضائی (منشی دادگاه، ضابط قضائی و سایر مقامات مرتبط) ۴- هزینه‌های بالا ۵- فقدان اطلاعات ۶- قوانین پیچیده دادگاه‌ها ۷- فساد در دادگاه‌ها.

دلایل مستدل برای اصلاح شرایط حاکم بر دادگاه‌ها وجود دارد. اول، اجرای آسان قراردادها رابطه نزدیکی با وام‌دهی بیشتر بانک‌ها دارد. یک بررسی از ۲۷ ناحیه قضائی کشور ایتالیا اثبات کرده است که در نواحی که تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها، کارایی قضایی را کاهش داده است،

میزان ارائه تسهیلات بانک‌ها به بخش خصوصی (نسبت به درآمد سرانه) نیز کمتر بوده است.

جدول (۴): ده کشور بهتر و بدتر از لحاظ سهولت اجرای قراردادها در سال ۲۰۱۳

۴-۱- شاخص مراحل اجرای قراردادها (تعداد)

کمترین		بیشترین	
ایرلند	۲۱	گینه	۴۹
سنگاپور	21	کویت	50
رواندا	2۳	عراق	51
لوکزامبورگ	26	امارت متحده عربی	۴۹
بلژیک	2۶	تیمور شرقی	51
هلند	2۶	کوزوو	53
جمهوری چک	27	برونئی دارالسلام	۴۷
هنگ کنگ، چین	۲۷	بلیز	51
ایسلند	2۷	سودان	53
استرالیا	2۸	عمان	51

۴-۲- شاخص زمان اجرای قراردادها (روز)

سریع‌ترین		کندترین	
سنگاپور	150	اسلونی	290 ¹
ازبکستان	19۵	سريلانکا	1318
نیوزیلند	216	ترینیداد و توباگو	1340
بوتان	225	هند	1420
جمهوری کره	230	تیمور شرقی	1۲۸۵
رواندا	2۳0	افغانستان	1642
آذربایجان	237	بنگلادش	1442
قرقیزستان	260	گوآتمالا	1495
نامیبیا	270	سورینام	1715
بلاروس	2۷5	کلمبیا	1346

۴-۳- شاخص هزینه اجرای قراردادها (درصد از بدهی)

ارزان ترین		گران ترین	
یونان	0.1	بورکینافاسو	۷.۸۱
ایسلند	.2۸	کومور	89.4
لوکزامبورگ	9.7	کامبوج	۴.۳10
نروژ	9.9	گینه نو پاپوا	110.3
جمهوری کره	10.3	اندونزی	۴.۱۳۹
چین	11.1	موزامبیک	142.5
اسلوونی	12.7	تیمور شرقی	163.2
فنلاند	۳.۱۳	مالاوی	۹۴.۱
تایلند	۱۵	جمهوری دموکراتیک کنگو	۶.۱۴۷
لهستان	۱۹	سیرالئون	149.5

منبع: Doing Business 2013: Reforming through difficult times

هم چنین نرخ بهره بانک‌ها نیز در این نواحی بیشتر است. دوم، وجود دادگاه‌هایی با کارایی بالا، ورود بنگاه‌های جدید و استخدام توسط بنگاه‌های فعال را افزایش می‌دهد. در اروپای مرکزی و شرقی، وجود رویه‌های دادگاهی پر دردسر و زمان‌بر، رابطه مستقیمی با کاهش ۸۰ درصدی تعداد کسب و کارهای جدید دارد. این موانع رشد شرکت‌ها را نیز محدود می‌کند. در مقایسه بنگاه‌ها با شرایط مشابه، در کشورهایی که اجرای قراردادها در آنها با تأخیر مواجه است، بنگاه‌ها ۱۸ درصد کمتر کارگر استخدام می‌کنند. سوم، ساده‌سازی اجرای قراردادها، درخواست برای بودجه بیشتر مورد نیاز دادگاه‌ها را کاهش می‌دهد. کشورهای کرواسی، لهستان، صربستان و مونته‌نگرو و اسلوونی از بیشترین تعداد قضاات و کادر اداری دادگاهی (سرانه) در اروپا برخوردارند. این کشورها با پیچیده‌ترین مراحل اداری دادگاهی و طولانی‌ترین تأخیر دادگاه‌ها در منطقه مواجه هستند. به علاوه، فرآیند قضایی ساده‌تر موجب ارجاع پرونده‌های قضایی بیشتر به دادگاه‌ها شده و با تخصیص مقدار بودجه معین به پرونده‌های بیشتر، در بودجه دولت نیز صرفه‌جویی بیشتری می‌شود. سرانجام، سلامت قوه قضائیه در کشورهایی بالاتر است که صدور رأی پرونده‌ها سریع‌تر و مراحل اداری کم‌تر است. متخصصان حقوقی اغلب استدلال می‌کنند که الزامات و مراحل اداری محکم و سختگیرانه باعث عدالت بیشتری می‌شود، اما حداقل در

کشورهای در حال توسعه، این موضوع مصداق ندارد. پیچیدگی اداری باعث می‌شود فهم و درک فرآیند این اقدامات، برای بنگاه‌های معمولی مشکل شود. در نتیجه، آنها از مراجعه به دادگاه‌ها پرهیز می‌کنند و به گزینه‌های ساده‌تر و اغلب غیر رسمی روی می‌آورند. به طور کلی، مراحل اداری کمتر، باعث افزایش رضایت مراجعان قضائی شده و اعتبار آن را افزایش می‌دهد.

دادگاه‌ها باید سریع، عادلانه و کم‌هزینه باشند. وجود تأخیرهای طولانی بنگاه‌ها را مجبور می‌کند تا به دنبال ابزارهای دیگری برای حل و فصل اختلافات خود باشند. هزینه‌های زیاد دادگاه‌ها موجب می‌شود که معاملات تجاری کمتری صورت پذیرد و عده کوچکی از مردم که به واسطه روابط خویشاوندی یا معاملات قبلی با دادگاه‌ها ارتباط دارند، در بازار حضور داشته و ثروت کمتری خلق شود. بانک جهانی (۲۰۰۶) (World Bank (2006) در راستای تغییر وضعیت اجرای قراردادها جهت بهبود محیط کسب و کار، انجام اصلاحاتی را ضروری دانسته است. این اصلاحات به طور کلی به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند؛ کاهش تأخیر در فرآیند تصمیم‌گیری پرونده‌ها، کاهش تعداد ارجاع درخواست‌های تجدید نظر به دادگاه عالی و ایجاد فضای رقابتی با تعدد مراجع اجرای حکم (خیرخواهان، ۱۳۸۶: ۱۴۱) (Kheirkhahan, 2007: 141).

کاهش تأخیر در فرآیند تصمیم‌گیری پرونده‌ها

انجام چهار نوع راهکار اصلاحی، زمان لازم برای اجرای یک قرارداد را کاهش می‌دهد.

ارائه خلاصه مذاکرات یا رویه‌های ساده شده محاکمه

ساده‌سازی مراحل جمع‌آوری و استماع اظهارات شهود

تغییر عملیات مدیریت موردی

استفاده از دادگاه‌های سطح پائین‌تر برای تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌های ساده تجاری

در خلاصه صورت جلسات، طرف اعتباردهنده معامله تنها باید شواهدی از معامله و دال بر عدم پرداخت طرف مقابل را به قاضی ارائه نماید. پرونده‌های بدهی همانند گذشته از طریق تحقیقات مقدماتی مجری دادگاه انجام نمی‌شود. در کشور برون‌دی، انجام این اصلاحات تقریباً ۳ ماه زمان بازیابی و دریافت طلب را کاهش داد.

در سال ۲۰۰۶، در ۹۴ کشور جهان، تنها شواهد مکتوب برای قاضی قابل پذیرش بود. به این صورت که وقتی قضاوت سابقه هر شاهد را می‌شنود، مکتوب و تأیید می‌کنند. این عمل چند روز و

بعضی اوقات هفته‌ها به طول می‌انجامد.

مدیریت موردی که در اصلاحات انجام شده در اسلوونی مورد نظر قرار گرفت، مستلزم دو تغییر است. اول، قضات در مورد پرونده‌هایی که به آنها ارجاع می‌شود، از ابتدا تا انتها مسئول هستند. بنابراین طرفین پرونده از یک دادگاه به دادگاه دیگر فرستاده نمی‌شوند. دوم، جلسه استماع مقدماتی، ماهیت اختلاف را روشن می‌سازد تا طرفین برای جلسه اصلی آماده شوند. این شیوه توانست میانگین زمان حل اختلافات در اسلوونی را ۹۰ روز کاهش دهد.

کشور ویتنام توانست با ارجاع پرونده‌ها به حوزه‌های قضائی پائین‌تر، ۲ ماه در اجرای قرارداد تسریع ایجاد کند و این کار را تنها با حذف یک ماده قانونی انجام داد.

کاهش تعداد ارجاع درخواست‌های تجدی نظر به دادگاه عالی

استفاده از فرآیند درخواست تجدید نظر در احکام برای اجرای عدالت ضروری است و در تمامی کشورها این موضوع مورد نظر قرار گرفته است. اما ضرورتی ندارد که تمامی پرونده‌ها در دادگاه عالی مورد تجدید نظر قرار گیرند. چنین سوء استفاده‌ای در برزیل به طور کامل صورت می‌گیرد و ۸۸ درصد پرونده‌های قضایی مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند. دادگاه‌های واسطه‌ای مهمترین منبع فرآیند مناسب برای درخواست تجدید نظر هستند. دسترسی به این دادگاه‌ها معمولاً آسان است، زیرا زمینه برای درخواست‌های تجدید نظر به دیوان عالی محدود شده است.

روش قبلی در جمهوری چک این گونه بود که وقتی بدنهکار در مورد رأی دادگاه اول درخواست تجدید نظر می‌کرد، پرونده به دادگاه تجدید نظر فرستاده می‌شد. در اغلب موارد، رأی نقض شده و پرونده برای محاکمه مجدد، به دادگاه اول فرستاده می‌شد. اکنون با انجام اصلاحات، دادگاه تجدید نظر قدرت بیشتری دارد تا حکم نهایی را صادر کند و پرونده‌های کمتری به دیوان عالی ارجاع می‌شود. این امر موجب شده است که ۴ ماه از فرآیند زمانی فوق، کاسته شود.

ایجاد فضای رقابتی با تعدد مراجع اجرای حکم

بهترین روش برای سرعت بخشیدن به فرآیند وصول بدهی‌هایی که تاریخ سررسید آنها فرا رسیده است، ایجاد فضای رقابتی در اجرای احکام است. کلمبیا با از بین بردن انحصار دادگاه‌ها در اجرای آرای قضات، به انجام اصلاحاتی در سال ۲۰۰۳ میلادی اقدام نمود و به این ترتیب،

شرکت‌های خصوصی به سرعت وارد کسب و کار اجرای احکام شدند و زمان مورد نیاز برای انجام این امور ۲ ماه کاهش یافت.

در سال ۲۰۰۹، ۱۶ کشور (الجزایر، بوتسوانا، بورکینافاسو، کاستاریکا، مصر، اتیوپی، اردن، مالزی، مالی، موریتس، نروژ، گینه نو، پاپوآ، پرو، پرتغال، گرنادا و کرانه غربی نوار غزه) اقدام به انجام اصلاحات در زمینه اجرای قراردادها نمودند. بوتسوانا بزرگترین اصلاح‌کننده اجرای قراردادها در سال ۲۰۰۹ است. قوانین جدید این کشور برای دادگاه عالی که از اواسط سال ۲۰۰۸ آغاز شد، منجر به کاهش میانگین زمان حل و فصل دعاوی بازرگانی به میزان ۳۰٪ شد و زمان اجرای قراردادها در این کشور، از ۹۸۷ روز به ۶۸۷ روز تقلیل یافت (۳۰۰ روز). قوانین مطرح شده مرتبط با مشاوره‌ها بوده و منجر به تسریع در حل اختلافات شد. قضات زمان طولانی را صرفاً به شنیدن دعاوی نمی‌پردازند، بلکه به‌طور فعال آنها را اداره می‌کنند، براساس جدول زمانی به آنها می‌پردازند و انجام آنها را تضمین می‌کنند. در سطح بالاتر، سیستم مدیریت موردی مطابق اصلاحات معرفی شده توسط بانک جهانی، بازبینی و اصلاح شده است.

اتیوپی دومین اصلاح‌کننده اجرای قراردادها در سال ۲۰۰۹ است. این کشور با انجام اصلاحات، متوسط زمان حل و فصل دعاوی بازرگانی را ۱۰٪ کاهش داد و در زمینه سهولت اجرای قراردادها، نسبت به سال ۲۰۰۸، ۱۳ پله ارتقاء رتبه یافت. دادگاه‌های اتیوپی کارهای معوقه خود را با محوریت جدید؛ «تعطیلات تابستانی فدای حل و فصل دعاوی معوقه»، به انجام می‌رسانند. دو سوم قضات خواستار استماع و پذیرش دعاوی در طول تعطیلات خاص تابستانی شده‌اند.

آدیس آبابا با سیستم مکانیزه شده، اجازه داده است کاربران، دعاوی را به راحتی جستجو کنند. هر فردی می‌تواند از طریق تلفن یا صفحه نمایش لمسی، دسترسی آنلاین به برنامه زمان‌بندی دادگاه داشته باشد و در دادگاه حاضر شود. این سیستم، اطلاعات مراحل زمانی دعاوی ارجاع شده به هر یک از دفاتر دادگاه‌ها را ارائه کرده و امکان سنجش عملکرد قضات، دفاتر و دادگاه‌های کشور را فراهم می‌کند. در هر زمان، این اطلاعات به تعیین دادگاه‌های پر دعوی و هدایت تخصیص منابع کمک می‌کند.

سه کشور دیگر پایین صحرای آفریقا، اصلاح شده‌اند. مالی رویه قوانین خود را اصلاح کرده است. در حال حاضر، صاحبان دعوی می‌توانند بدون استفاده و انتظار برای دستور تصویب خدمات از طرف قاضی، پرونده بسازند. این امر از لحاظ رویه‌ای، مراحل کمتری دارد و ۷ روز

وقت کمتری صرف پرونده‌سازی و نوبت گرفتن می‌شود. قوانین جدید، ضمانت اجرائی ایجاد می‌کند. کنسول اکنون می‌تواند مستقیماً و بدون موافقت قبلی از قاضی، مدرک بازجوئی تهیه کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

به عقیده جانسون، مک‌میلان و وودرف، زمان آزمون ارتباط میان دستگاه قضائی و اجرای قراردادها پایان یافته است و این موضوع را باید به عنوان حقیقت عینی پذیرفت. گسترش عقاید نهادگرایان در توجه به سازوکارهای نهادی، جهت حصول به توسعه اقتصادی، دولت‌ها را به آنجا رسانده است که تنها راه برای دستیابی به رقابت اقتصادی، خصوصی‌سازی از طریق واگذاری‌ها نیست. امروزه نقش کسب و کار اقتصادی و تلاش برای بهبود محیط کسب و کار، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای در حال گذر جهت حصول سریع‌تر به توسعه اقتصادی و رقابت است. محیط کسب و کار نامناسب منجر به ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی از جمله کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، بزرگ شدن بیش از اندازه برخی بنگاه‌ها و کوچک ماندن بنگاه‌های دیگر، عدم شکل‌گیری شبکه‌ها و گسترش بخش غیر رسمی و در یک کلام، اختلال در دستیابی به رشد باثبات و توسعه اقتصادی می‌شود.

توجه به بهبود محیط کسب و کار از طریق کارائی سیستم قضائی و اصلاح رویه‌های قضائی، یکی از مهم‌ترین اقدامات در راستای ایجاد سهولت کسب و کار اقتصادی به شمار می‌رود. طبق نظریه نهادگرایان، ناکارائی در سیستم قضائی، موجب افزایش هزینه مبادلات شده و از این طریق در محیط کسب و کار اختلال ایجاد می‌کند. براساس مطالعه بانک جهانی در سال ۲۰۰۶، تأخیر در قوه قضائیه، طولانی بودن مراحل تجدید نظر، عدم صلاحیت مقامات قضائی (منشی دادگاه، ضابط قضائی و سایر مقامات مرتبط) و هزینه‌های بالای دادگاه‌ها، از جمله مهم‌ترین موانع اجرای قراردادها در کشورهای مختلف به شمار می‌رود. هم‌چنین مطالعات بانک جهانی، اصلاحات مورد نیاز در سیستم قضائی را به سه بخش تقسیم نموده است؛ کاهش تأخیر در فرآیند تصمیم‌گیری پرونده‌ها، کاهش تعداد ارجاع درخواست‌های تجدیدنظر به دادگاه عالی و ایجاد فضای رقابتی با تعدد مراجع اجرای حکم. کشورهای مختلف با به کارگیری این اصلاحات در سیستم قضائی خود

توانسته‌اند، در کم‌ترین زمان، رتبه خود را از لحاظ سهولت اجرای قراردادها و بنابراین سهولت کسب و کار اقتصادی در میان کشورهای جهان ارتقاء دهند.

مطالعه رتبه سهولت کسب و کار ایران در میان کشورهای جهان طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۵ نشان می‌دهد که وضعیت کسب و کار اقتصادی ایران علی‌رغم نوسانی بودن، بدتر شده است. در این میان، شاخص‌های کارائی سیستم قضائی ایران و مقایسه آن با بدترین و بهترین کشورها، نشان می‌دهد ضعف شاخص‌های اقتصادی سیستم قضائی ایران در زمان رسیدگی به دعاوی قضائی وجود دارد و اصلاح این موارد در سیستم قضائی به شدت احساس می‌شود، چرا که تجربیات کشورهای مختلف نشان داده است کاهش زمان رسیدگی به دعاوی قضائی، مهم‌ترین عامل، در سهولت اجرای قراردادها و به تبع آن، سهولت کسب و کار اقتصادی می‌باشد.

References

- [1]- Baseri, B. (2009). "Pathology of the Doing business." The World Economy Newspaper, No. 1515, page 3 (in Persian).
- [2]- Bull. C. (1987). "The Existence of Self-Enforcing Implicit Contracts." Quarterly Journal of Economics 102(1): 147-160.
- [3]- Dyankov, S. and Karay, M. (2007). "Doing Business in 2006 (creating Jobs)." Translation by J. Kheirkhahan, Majlis Research Center, Institute of Economic Research (in Persian).
- [4]- Fafchamps. M. (1996). "Enforcement of Commercial Contracts in Ghana." World Development 24 (3): 427-448.
- [5]- Galanter, M. (1981). "Justice in Many Rooms: Courts, Private Ordering and Indigenous Law," Journal of Legal Pluralism 19: 1-47.
- [6]- Gow, H. and Swinnen, J. (1998). "Agribusiness Restructuring, Foreign Direct Investment, and Hold-Up Problems in Agricultural Transition." European Review of Agricultural Economics, 25 (4): 331-350.
- [7]- Gow, H., Streeter, D. and Swinnen, J. (2000). "How Private Contract Enforcement Mechanisms Can Succeed Where Public Institutions Fail: The Case of Juhosucor A.S." *Agricultural Economics*, 23 (3): 253-265.
- [8]- Gow, H. and Swinnen, J. (2001). "Private Enforcement Capital and Contract Enforcement in Transition Countries." *American Journal of Agricultural Economics*, 83 (3): 686-690.
- [9]- Greif, A. (1993). "Contract Enforceability and Economic Institutions in Early Trade: The Maghribi Traders' Coalition." *American Economic Review* 83 (3): 525-548.
- [10]- Greif, A. and Kandel, E. (1995). "Contract Enforcement Institutions: Historical Perspective and Current Status in Russia. In *Economic Transition*

- in Eastern Europe and Russia.” Edited by E. P. Lazear. Stanford: Hoover Institution Press.
- [11]- Henderly, K., Murrell, P. and Ryterman, R. (1998). “Law, Relationships, and Private Enforcement. Transactional Strategies of Russian Enterprises.” Unpublished Manuscript.
- [12]- Johnson, S., McMillan, J. and Woodruff, Ch. (2002). “Courts and Relational Contracts.” *Journal of Law, Economics and Organization* 18 (1): 221-277.
- [13]- Karim, Z. (2005). “Several Articles in the Field of Institutional Barriers for Economic Development.” *Majlis Research Center Office of Legal Studies*, Second Edition. (in Persian).
- [14]- Koford, K. and Miller, J. B. (1995). “Contracts in Bulgaria: How Firms cope when Property Rights are Incomplete.” *University of Delaware, Department of Economics Working Paper* 95-4.
- [15]- Koford, K. and Miller, J. B. (1999). “A Model of Contract Enforcement in Early Transition,” Paper Presented at the ISNIE Conference, September 16-18, 1999, Washington D.C.
- [16]- Meydary, A. and Qodjany, A. (2008). “Measuring of improving of doing business.” *Publications of Tehran University Jihad* (in Persian).
- [17]- McMillan, J. and Woodruff, Ch. (1999a). “Dispute Prevention without Courts in Vietnam.” *Journal of Law, Economics and Organization* 15 (3): 637-658.
- [18]- McMillan, J. and Woodruff, Ch. (1999b). “Interfirm Relationships and Informal Credit in Vietnam.” *Quarterly Journal of Economics* (November): 1285-1320.
- [19]- Milgrom, P., North, D. C. and Weingast, B. R. (1990). “The Role if Institutions in the Revival of Trade: The Medieval Law Merchant, Private Judges, and the Champagne Fairs.” *Economics and Politics* 1 (1): 1-23.
- [20]- Nasiri aghdam, I. and Naderan, A. (2006), “Transaction Cost of Financing of Construction Institutions (Case Study of 40 Small Firms).” *Economic Research*, 41 (3): 81-123 (in Persian).
- [21]- Nasiri Aghdam, A. (2010). “The role of the judiciary in improving of doing business.” *Monthly Chamber of Commerce*, No. 2, 22 (in Persian).
- [22]- Shahabadi, A., Sarigol, S. and Jame-Bozorgy, A. (2013). “The Impact of Economic Political on the Doing Business in Line with the Financing D8 and G7 Countries.” *Political and Economic Monthly Information*, No. 291, 121-108 (in Persian).
- [23]- Shahabadi, A. and Sadeghi, H. (2012). “Investigating the Effect of the Doing Business and Governance on Foreign Direct Investment Flow in Iran.” *Journal of Political and Economic Information*, No. 287, 203-186 (in Persian).
- [24]- Tari, F. and Gholami Baghi, S. (2007). “The General Policies of Article 44 and Doing Business with a Focus on Business.” *House and Research Journal*, 13 (54): 108-73 (in Persian).
- [25]- Tari, F. and Gholami Baghi, S. (2009). “Improving the Doing Business Index, an Effective Factor on the Reduction of the Hidden Economy and Expanding

- Informal Sector.” *Majlis and Research Journal*, No. 58, 91-47. (in Persian).
- [26]- Tayyb niya, A. and Mardukhi, J. (2006). “The Effect of Peraperty Right on the Utilization of Natural Resources: Institutional Approach on Iran's Crude Oil Reserves.” *Economic Research*, No. 76, 28-1 (in Persian).
- [27]- Telser, L. G. (1980). “A Theory of Self-Enforcing Agreements.” *Journal of Business* 53 (1): 27-44.
- [28]- Volker. B. and Boger, S. 16-22 August. (2003). “Courts and Contract Enforcement in Transition Agriculture: Theory and Evidence from Poland.” the 25th International Conference of Agricultural Economists (IAAE), Durban, South Africa, 417-430.
- [29]- Williamson, O. E. (1979). “Transaction Cost Economics: The Governance of Contractual Relations.” *Journal of Law and Economics* 22 (October): 3-61.
- [30]- Williamson, O. E. (2002). “The Theory of the Firm as Governance Structure: From Choice to Contract.” *Journal of Economic Perspectives* 16 (3): 171-195.
- [31]- Williamson, O. E. (1981). “The Economics of Organization: The Transaction Cost Approach.” *The American Journal of Sociology* 87 (3): 548-577.
- [32]- Woodruff. Ch. (1998). “Contract Enforcement and Trade Liberalization in Mexico’s Footwear Industry.” *World Development* 26 (6): 979-991.
- [33]- World Bank; “Doing Business. (2006). Creating Jobs”; <http://www.doingbusiness.org/Downloads>.
- [34]- World Bank; “Doing Business. (2007). How to Reform”; <http://www.doingbusiness.org/Downloads>.
- [35]- World Bank; “Doing Business. (2008). <http://www.doingbusiness.org/Downloads>.
- [36]- World Bank; “Doing Business. (2009). Creating Jobs”; <http://www.doingbusiness.org/Downloads>.
- [37]- World Bank; “Doing Business. (2010). Reforming through difficult times.”
- [38]- <http://www.doingbusiness.org>.
- [39]- Zareie M. H. (2008). “Judicial Security as the Right.” *Majlis and Research*, 14 (56): 45-11 (in Persian).